

این تغییر، تأثیر خودش را روی بازی گذاشته است. اما از آن جایی که متدهایی که معمولاً در زمینه بازیگری آمده، متدهای هالیوودی بوده، احساس می‌کنم اساس بر این است که (چه کار را روی پرده سینما ببینی و چه گجت) شکل و اساس بازیگری تغییر نمی‌کند بلکه شاید تکنیک اجرایی یک سری از لحظه‌ها فرق کند. و یک مورد خیلی خیلی مهم در دنیای بازیگری که الان در دنیا خیلی دارند روی کار می‌کنند بحث لنز است. لنزهایی که در سینما هست با لنزهایی که در یک سریال هست خیلی فرق می‌کند و بازی در مقابل لنزهای مختلف، تفاوت‌های عمده‌ای دارد. بنابراین فکر می‌کنم تغییر شکل فیلم دیدن تأثیر خود را می‌گذارد اما مدیوم مشخص است دیگر. بازیگر بر اساس منطق آن مدیوم جلو می‌رود. این گونه نیست که بگوییم چون الان همه چیز را روی دستگاه‌های کوچک تری می‌بینند، بازی‌ها لزوماً درشت تر شده است. من فکر می‌کنم قطعاً لنز فاکتور مهمی در دست بازیگر است که بتواند ارائه جذاب‌تری داشته باشد.

با توجه به این توضیحات، برای خودتان کدام جذاب‌تر است: بازی در سینما یا بازی در شبکه نمایش خانگی؟
جنس بازی در سینما برای خودم جذاب‌تر است.

در مورد تئاتر چطور؟

من فکر می‌کنم اگر موقعیت مالی و شاید موقعیت اجتماعی مناسبی وجود داشت، ترجیح می‌دادم هیچ‌گاه از تئاتر بیرون نیایم و برای همیشه در تئاتر بمانم. اگر بگویند بین سینما و نمایش خانگی کدام را ترجیح می‌دهی قطعاً می‌گویم سینما و اگر بگویند بین تئاتر و سینما کدام را ترجیح می‌دهی قطعاً می‌گویم تئاتر.

می‌بینیم، اگر بازیگر مثلاً ابرویش را یک سانتیمتر بالا ببرد، روی پرده (به خصوص در کلوزآپ) ده سانتیمتر بالا می‌رود. یعنی آن کنترل شدگی باید به‌دقت وجود داشته باشد. در حالی که هنگام تماشای فیلم روی صفحه موبایل یا تلویزیون چنین نیست. اما بلافاصله این فکر به ذهنم رسید که این مرز در دو دهه یا ربع قرن اخیر کمرنگ شده است. چون امکانات تماشای فیلم در خانه خیلی بیشتر شده است، می‌شود فیلم را روی صفحه موبایل هم دید. آیا این تغییر در جنس فیلم دیدن عموم مخاطبان ممکن است تأثیری روی جنس بازی بازیگران سینما گذاشته باشد؟

بگذار مثالی از زمانی بزنم که در «خاتون» جلوی دوربین نبودم اما در شمال حضور داشتم. آن زمان خیلی زیاد کنار آقای بهمنش حضور داشتم تا بافت تصاویر دستم بیاید، بینم توی تصویر دارند چه می‌کنند و بدانم که چه شمایی از بازی پشت دوربین آقای بهمنش و خانم پاکروان درست است. بعد دو، سه جا دیدم که در برخی از لحظه‌ها این بحث وجود داشت که احتمال دارد مردم این را در یک گجت ببینند. یعنی شاید فقط یک درصد از مخاطبان کل سریال یک پروژکتور برای پخش تصویر داشته باشند که تازه جنس تصویر آن هم با آن چه در سینما می‌بینیم متفاوت است. این بحث‌ها، این سؤال را برای من ایجاد کرد که الان باید چه کنم؟ اگر قرار باشد مخاطب سریال را در موبایل ببیند من باید یک اور آکت خیلی درشت داشته باشم که دیده شود و آن وقت روی مانیتور ممکن است کار من اغراق شده جلوه کند. پس به‌دنبال یک حد وسط بودم که آن را حفظ کنم. از این مثال می‌خواهم به این جا برسم که فکر می‌کنم



در وهله اول، مخاطب باید حس سمیماتی با شخصیت پیدا کند و این حس باید سریع ایجاد شود تا مخاطب تو را (حتی به‌عنوان یک بدن من یا یک قهرمان با اشکالات ویژه) بپذیرد

و دو ساعت اجرا داری. روزی دوازده یا شانزده ساعت ممکن است کار سخت فیزیکی و روحی در درگیری با عوامل مختلف در پیش داشته باشی. در کنار آن، در سریال (به‌دلیل میزان پخش شدن آن سریال در شب‌ها، روزها و لحظه‌های مختلف) شاید در کل سریال تو ده بخش را برای خود انتخاب کنی و بگویی، «من در این ده بخش قرار است از قالب آن چه هستم بیرون بیایم». تو باید یک قالب ثابت را بسازی و این قالب ثابت تقریباً در دو قسمت اول بیدارانه شود. سپس، آن چه به آن قالب اضافه می‌کنی تبدیل می‌شود به تکه‌های پازلی که در حوزه سریال باید بچینی. تو به عنوان بازیگر، اگر هر آن چه را داری در همان قسمت اول رو کنی، دیگر هیچ جذابیتی برای تماشاگر نخواهی داشت. یک بار با یکی از دوستانم صحبت می‌کردم و می‌گفتم در «خاتون» لحظه‌های زیادی وجود داشت که در آن‌ها می‌توانستم تن صدایم را بالا ببرم و داد بزنم، عصبانی شوم، کارهای اور آکت انجام دهم یا مسائل دیگر. اما آن کار باعث می‌شد من بیازم. چون باید آن رفتارها را نگه می‌داشتم برای دو قسمت آخر. آن دو قسمت آخر جایی است که از قالب اولیه‌ام خارج می‌شوم. پس صد درصد بازی در سینما با بازی در تلویزیون خیلی متفاوت است. بخش دیگری از قضیه هم این است که در شبکه نمایش خانگی، قاعدتاً مخاطب تو کمی بیشتر از مخاطب سینما است. یعنی کمی مجبوری که شمایل اجرایی‌ات را پیروی و هم‌سطح مخاطب کنی. منظورم اصلاً این نیست که خودت را پایین بیاوری. این اصلاً قابل قبول نیست. منظورم این است که قاعده‌مندتر یا عمومی‌تر بازی کنی.

یعنی جنبه‌های تیبیک یک شخصیت را تقویت کنی؟

آفرین. به‌خاطر این که در وهله اول، مخاطب باید حس سمیماتی با شخصیت پیدا کند و این حس باید سریع ایجاد شود تا مخاطب تو را (حتی به‌عنوان یک بدن من یا یک قهرمان با اشکالات ویژه) بپذیرد. یک بخش دیگر قضیه هم این است که گاه اکت‌ها و فکت‌هایی که در یک سریال وجود دارد شاید با دنیای سینمایی همخوانی چندانی نداشته باشد. مثلاً ورود بازیگر به جایی که اصلاً انتظارش را نداری. در این حالت تو باید چه کنی که ماجرا شکل درستی پیدا کند؟ چیزهایی از این دست باعث می‌شود که بازی در سینما با بازی در تلویزیون خیلی تفاوت داشته باشد.

در حین این بحث یک سؤال دیگر برآیم پیش آمد. این نکته را معمولاً در مورد تفاوت تئاتر و سینما مطرح می‌کنند ولی می‌شود به‌طور کلی در مورد تفاوت بازی در سینما و تلویزیون هم گفت. می‌گویند وقتی داریم روی پرده بزرگ فیلم

